

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۲/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰

راهبرد امنیتی قدرت های منطقه ای ایران، ترکیه و اسرائیل در قبال بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴)

۶۱

دوفصلنامه مطالعات
سیاری اسلامی

راهبرد امنیتی قدرت های منطقه ای ایران، ترکیه و اسرائیل در قبال بحران سوریه
سمیه حمیدی و همکار

سمیه حمیدی^{۱*}
زینب قاسمی^۲

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران.
۲. دانش آموخته کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

چکیده

با شکل گیری تحولات در سوریه، هریک از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای موضع گیری خاصی را در قبال این کشور اتخاذ نموده اند که دخالت برخی از این بازیگران باعث آغاز جنگ داخلی و ظهور داعش در این کشور شد. در این پژوهش ما به دنبال پاسخ گویی به این سؤال محوری می باشیم که؛ راهبرد امنیتی کشورهای منطقه ای در قبال بحران سوریه چیست؟ البته با توجه به گستردگی بازیگران تنها راهبرد امنیتی ترکیه، اسرائیل و ایران که تأثیر گذارترین نقش را در منطقه دارا می باشند، بررسی می شود. یافته های این مقاله حاکی از این است که راهبرد امنیتی ترکیه در قبال سوریه متغیر و پیچیده است. سیاست ترکیه در چرخش های متعدد از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. راهبرد امنیتی اسرائیل با توجه به برخورداری از حمایت بی چون وچرای آمریکا حفظ موجودیت منافع خود در بلندهای جولان و بسط نفوذ ایران در منطقه است که ترکیه در این زمینه با آن ها همراه شده است و در نهایت راهبرد امنیتی ایران را می توان حفظ دولت بشار اسد در چهار چوب موازنه تهدید علیه اسرائیل تبیین کرد.

واژگان کلیدی: موازنه تهدید، راهبرد امنیتی، بحران سوریه، ایران، ترکیه، اسرائیل.

کشورهای خاورمیانه پس از جنگ سرد به دلیل موقعیت حساس خود، منابع غنی انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی خود مورد اغماض و تجاوز برخی قدرت های فرامنطقه ای و فرامنطقه ای قرار گرفتند. هرچند ساختار عشیره ای و قبیله ای آن ها، عدم توجه سران این کشورها به خواسته ها و مطالبات مردم و نداشتن برنامه صحیح برای انجام اصلاحات در ساختار حکومتی باعث شروع اعتراضاتی از شمال آفریقا شد؛ به گونه ای که اکنون به سوریه رسیده است. تحولات سوریه باعث نزدیکی بیش از پیش ترکیه به رژیم صهیونیستی و رویارویی ایران با اسرائیل شد. مستندات حاکی از این است که اهداف ترکیه و اسرائیل به عنوان دو کشور منطقه ای حمایت از مخالفین بشار اسد، سرنگونی دولت سوریه و نهایت قطع محور اتحاد ایران، سوریه، حزب الله است. از طرف دیگر، دولت ایران از بشار اسد در مقابل مخالفین داخلی و خارجی حمایت می کند؛ زیرا سقوط بشار اسد به ضرر ایران و از بین رفتن محور مقاومت است.

در راستای بررسی بحران سوریه و پژوهش های متعددی به زبان فارسی و لاتین انجام شده اند. برخی از این آثار منتشر شده از زاویه ژئوپلیتیکی (نیاکویی و بهمنش ۱۳۹۱: ۴) و دسته دیگر از منظر سازه انگاری (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۲۵)، (مسعود نیا و دیگران ۱۳۹۰: ۸۵) و گروه دیگر از منظر هیدروپلیتیک (حسینی و رضایی، ۱۳۸۴: ۵۵) و دسته دیگر از دیدگاه رقابت استراتژیک به این مسئله پرداخته اند (برزگر، ۱۳۹۰). نقطه تمرکز مقاله حاضر بررسی بحران سوریه از زاویه راهبرد امنیتی با بررسی نقش سه قدرت منطقه ای با تکیه بر نظریه موازنه تهدید می باشد. بر این اساس پرسش اصلی مقاله این است که راهبرد امنیتی ترکیه، اسرائیل و ایران در قبال بحران سوریه چیست؟ فرضیه این مقاله حاکی از این است که راهبرد امنیتی ترکیه در قبال سوریه متغیر و پیچیده است. سیاست ترکیه در چرخش های متعدد از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. راهبرد امنیتی اسرائیل با توجه به برخورداری از حمایت بی چون و چرای آمریکا حفظ موجودیت و تضمین منافع خود در بلندهای جولان و بسط نفوذ ایران در منطقه است که ترکیه در این زمینه با آن ها همراه شده است و در نهایت راهبرد امنیتی ایران را می توان حفظ دولت بشار اسد در چهارچوب موازنه تهدید علیه اسرائیل تبیین کرد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می باشد.

چهارچوب نظری

اصولاً رهیافت رئالیسم به عنوان پارادیم اساسی حاکم بر نظام بین الملل دوران جنگ سرد، مقوله قدرت را به عنوان محور اساسی سیاست و استراتژی واحدهای ملی مدنظر قرار می دهد. این رویکرد بر "اصل بقا" و "اصل خودیاری" متکی است (امینی: ۹۷-۹۸-). نظریه رئالیسم موازنه قدرت را یکی از روش های حفظ صلح بین المللی می داند و معتقد است نظام بین الملل در شرایط موازنه قوا به ثبات و تعادل می رسد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۰۳-). پایان جنگ سرد و شکل گیری نظام تک قطبی باعث ناکار آمدی نظریه موازنه قوا و بازسازی آن در قالب موازنه نرم گردید (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۴-۴۲-). با توجه به کاستی های نظریه موازنه قدرت، استفان والت مدعی است که نظریه تهدید می تواند یک تبیین بهتری از عرصه نظام بین الملل ارائه دهد. والت در اصطلاح نظریه موازنه قدرت سطح تهدید را با توجه به این عوامل توصیف می کند: ۱. قابلیت های کلی (شاخص های قدرت مثل جمعیت، اقتصاد، عوامل ژئوپلیتیکی و قدرت)، ۲. مجاورت (نزدیکی تهدید)، ۳. قابلیت تهاجمی ۴. نیات تهاجمی (نیاکویی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۲۲-). از نظر والت، در شرایط مساوی دولت هایی که به هم نزدیک تر هستند خطرناک تر از آن هایی هستند که دورترند و دولت هایی که نیات تهاجمی دارند نسبت به دولت هایی که تنها حفظ وضع موجود را دنبال می کنند تهدید کننده تر هستند. علت اصلی اتحاد دولت ها بر اساس نظریه موازنه تهدید، تهدید است نه قدرت و دولت ها بیشتر به موازنه تمایل دارند تا دنباله روی از ایدئولوژی.

با توجه به نظریه مطرح شده هر یک از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای بر اساس منافع قابل پیگیری شان در این بحران، بلوک هایی از موافقین و مخالفین دولت بشار اسد را تشکیل دادند و هر یک از این بازیگران با ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک به موازنه دیگری می پردازد تا بتواند تعادل مورد نظرش را ایجاد نماید. ترکیه و اسرائیل با توجه به منفعی که برای خود تعریف کرده اند به حمایت از یکدیگر و گروه های تروریستی در سوریه و سرنگونی بشار اسد تمایل دارند در مقابل ایران به دلیل تهدیدات و دشمنان مشترکی که با سوریه در برهه های مختلف زمانی دارد به حمایت از دولت بشار اسد و دفاع از مردم سوریه می پردازد.

اعتراضات در خاورمیانه و بحران سوریه

اکثر نظام های سیاسی خاورمیانه غیر دموکراتیک بوده که برای ادامه حکومت های خود با شعار به خطر افتادن استقلال، امنیت ملی و نفوذ خارجی ویا اجرای شریعت، ملت ها را از آزادی های مدنی و سیاسی منع کرده اند و در برخی از کشورها با وضع قانون اضطراری، وضع موجود خود را توجیه می نمایند. رویدادها و قیام مردم خاورمیانه که به بهار عربی یا بیداری اسلامی (بذر افکن و جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۲۹۵-۳۳۶) مشهور گردیده از سال ۱۳۸۹ (میلادی ۲۰۱۰) از تونس شروع و در ژولای ۲۰۱۱ به سوریه کشیده شد.

بررسی تحولات سوریه بدون توجه به ساختار جمعیتی و سیاسی این کشور ممکن نیست. پس از پایان جنگ جهانی و بر اثر توافقات زمان جنگ، عهدنامه ی (سایس-پیکو) در سال ۱۹۱۲ میان وزرای خارجه انگلیس و فرانسه قیمومیت شامات شامل، سوریه و لبنان امروز را به دولت فرانسه واگذار کرد و در سپتامبر سال ۱۹۲۰ فرانسویان لبنان را از سوریه جدا کردند. در سال ۱۹۲۲ جامعه ملل نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داد (درینیک، ۱۳۶۸: ۱۳۶). یکی از مشخصات سوریه پس از استقلال، بی ثباتی سیاسی و رفت آمدهای سریع کابینه ها بود؛ به گونه ای که این کشور به سرزمین کودتا معروف شد. بی ثباتی در سوریه علاوه بر مداخلات خارجی، ریشه در بافت جمعیتی این کشور داشت (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۲۷). از عوامل مهم دیگری که در بروز حوادث اخیر سوریه تأثیر داشته است، می توان به تک حزبی بودن و عدم برگزاری انتخابات آزاد در این کشور، فشارهای بیش از حد سیستم های امنیتی به مردم و برخی از نخبگان مذهبی، فساد اقتصادی موجود در بدنه حاکمیت نظام و وجود فقر در این کشور اشاره کرد. بیشتر مردم سوریه خواهان انجام اصلاحات در حکومت می باشند، اما نه به قیمت براندازی نظام فعلی به ریاست بشار اسد، مردم پس از مشاهده رفتارهای غیرانسانی که توسط گروه های سلفی در این کشور در جریان است؛ احساس کردند دستان خارجی در بروز این فتنه در کار است، بنابراین در مقابل این اغتشاشات واکنش نشان دادند (موسوی زاده، ۱۳۹۰: ۵۳) و ادعای آمریکا مبنی بر تصمیم به حمله هوایی به موضع داعش در سوریه و تحریم ایران را در راستای حمایت از امنیت رژیم صهیونیستی تفسیر کردند. در واقع مردم سوریه هدف نهایی آمریکا را محروم کردن همسایگان اسرائیل یعنی لبنان و فلسطین از حمایت بلامنازع سوریه و ایران می دانند (www.mashreghnews.ir).

۱- بازیگران منطقه‌ای در سوریه

۱-۱. ترکیه

با شروع تحرکات در سوریه، راهبرد امنیتی ترکیه پیچیده و متغیر شده است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. یکی از دلایل ترکیه برای در پیش گرفتن سیاست جدیدش، بدست آوردن حمایت لابی امریکا-رژیم صهیونیستی بود. شاهد این امر مقاله ای است که توسط شوکر والکداغ سفیر سابق این کشور در ایالات متحده در روزنامه سکولار ملی ترکیه بنام ملیت به نگارش درآمده است. وی در این مقاله تصریح می‌کند:

"لابی صهیونیستی که در ایالات متحده وجود دارد، از تمامی سایر لابی‌های قومیتی این کشور قوی‌تر است هر هنگام که این لابی به نفع ما عمل کرده است، منافع ترکیه در ایالات متحده کاملاً در برابر بدخواهانش حفظ شده است. گسترش روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی و شکل دهی به اتحاد عملی آنها، باعث شده همواره در کنار ترکیه بایستند." (هانتر، ۱۳۹۲: ۳۰۱).

در خصوص روابط ترکیه با سوریه باید در نظر داشت که این رابطه سال‌ها تلخ بود و مشخصاً چهار موضوع حمایت سوریه از پ.ک.ک. (حزب کارگران کردستان ترکیه) شامل نگهداری از عبدالله اوجالان رهبر این حزب در آن زمان، مناقشات بر سر آب، موقعیت سوریه در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی و ادعای سوریه بر استان حتای ترکیه موجبات تلخی این روابط بودند. اتهامات ترکیه و تقویت نظامی این کشور در مرزها، سوریه را مجبور کرد که موافقت نامه ادنا مبنی بر حمایت از پ.ک.ک. و اخراج اوجالان را در ۲۰ اکتبر سال ۱۹۹۸ امضا نماید (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱). حزب عدالت و توسعه از همان سال ۲۰۰۲ که رسماً وارد بازی قدرت در ترکیه شد، از سیاست به صفر رساندن مشکلات و چالش‌ها با همسایگان تبعیت کرد. درحقیقت دولت مردان حزب عدالت و توسعه تعامل را بر تقابل ترجیح داده و خواهان همکاری به جای تنش زدایی بوده‌اند. بر همین اساس ترک‌ها هم با سوریه و هم با دیگر کشورهای عربی میزان همکاری سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دادند؛ به نحوی که رابطه میان دمشق و آنکارا از همان ابتدای سال ۲۰۰۳ میلادی روند صعودی و رو به بهبودی را آغاز کرد (فتحی، ۱۳۹۰).

بشار اسد رئیس جمهور سوریه در ژانویه ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرد، این نخستین دیداری بود که توسط رئیس جمهور سوریه از ترکیه از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ اتفاق افتاد. اسد ملاقات رسمی خود از ترکیه را این چنین توصیف کرد: "ما از یک فضای بی اعتمادی در حال گذار به دورانی از اعتماد هستیم." این دید و بازدیدها در سطح سران و مقامات عالی رتبه ادامه پیدا کرد (بقیازازیان و آرشاکیان، ۲۰۰۹: ۲). روابط سوریه و ترکیه به ویژه پس از سفر اردوغان به دمشق در دسامبر سال ۲۰۰۹ برای شرکت در شورای همکاری استراتژیک گسترش یافت و می توان روابط دو کشور را مثبت و خوش بینانه ارزیابی نمود. همچنین وی در سال ۲۰۰۹، به اسد گفت: "سوریه برای ما نه تنها بازاری با بیست میلیون نفر جمعیت، بلکه دروازه ای به سوی خاورمیانه با جمعیت ۳۰۰ میلیون نفر محسوب می شود." (امیدی و رضایی، ۲۰۱۳: ۲۱).

در رویکرد جدید منطقه ای سیاست گذاران ترکیه، سوریه به عنوان یک متحد و دوست بالقوه مطرح است. سوریه نیز مانند ایران، از ترکیه به منظور شکستن انزوا و تحریم های واشنگتن نسبت به سوریه که در رابطه با ترور نخست وزیر لبنان، رفیق حریری، علیه این کشور تشدید شده بود بهره گرفته است. مجموع ارزش تجارت ترکیه با سوریه از ۷۹۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۶ به بیش از ۲/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ افزایش یافت. امضای موافقت نامه منطقه آزاد تجاری در سال ۲۰۰۷ بین سوریه و ترکیه باعث افزایش میزان تجارت دو کشور شد. این روند با اندکی نوسان تا ۲۰۱۰ ادامه داشته است. اما در ماه های میانی ۲۰۱۱، که طوفان تحولات منطقه ای موسوم به "بهار عربی" به سوریه کشیده شد، سیاست ترکیه در برابر سوریه تغییر پیدا کرد. در ابتدا سیاست ترکیه معطوف به نوعی خیرخواهی، مشاوره و در نهایت براندازی شد و نهایتاً دو کشور به سرزنش و طرح اتهامات نسبت به یک دیگر پرداختند. تحلیل گران سیاسی مؤلفه های این تغییر رویکرد را ناشی از عوامل زیر می دانند:

۱. ارزیابی ترکیه از ناتوانی و عدم اراده بشار اسد در انجام اصلاحات:

سابقه پیچیده ای از رقابت های فرقه ای و امپریالیستی در دهه گذشته بین سوریه و آنکارا وجود داشته است؛ اما اهمیت سوریه برای ترکیه غیرقابل چشم پوشی بود. اهمیت سوریه برای امور خارجه ترکیه را می توان در سطح شورای همکاری استراتژیک بالا، منطقه آزاد تجاری، سفر بدون روادید بین دو کشور مشاهده نمود.

طی ملاقات های دو جانبه داوود اوغلو با مقامات سوریه، ترکیه تلاش داشت تا برگزینه

اصلاحات در سوریه تأکید کند. آنکارا سعی داشت تا طی ماه های ژوئیه و آگوست، بشار اسد برنامه اصلاحات خود را اعلام و بر موضوعات مورد نظر ترکیه همچون لغو قانون حکومت اضطراری، اجازه به مخالفان برای تشکیل احزاب سیاسی و راه اندازی گفت و گوی ملی توجه نماید. اما عدم اقدام عملی از ناحیه دولت سوریه سبب شد تا نقطه عطفی از روابط که بین دو کشور به دلیل برخی اصلاحات که بشار اسد قول داده بود و میان دو کشور به وجود آمده بود در نوامبر ۲۰۱۱ از بین برود. بنابراین اردوغان برای حذف بشار اسد خواستار تحریم های یک جانبه شدید بیش از هر کشور دیگر شد (the New York time November 12, 2011).

۲. سیل پناهندگان و مشکلات مستقیم آن با دولت ترکیه

ترکیه میزبان مخالفان سوریه و حافظ کلیدی برای پناهندگان سوری بوده است. با این حال رویکرد ترکیه تا حدودی مبهم است. آن ها خواستار کناره گیری اسد بودند. مداخله نظامی محدود بهانه ای برای عملیات در مقیاس بزرگ و افزایش بی ثباتی در مرزهای ترکیه و افزایش پناهندگان به ترکیه شد. تعداد پناهندگان تا ژوئن ۲۰۱۲ به ۸۰۰۰۰ نفر رسید (Dagher, Aqust 26: 2012).

سیل مهاجرین و پناهندگانی که از سوریه گریخته و در مرزهای ترکیه مستقر شده بودند در کنار مشکلات و درخواست های آنان از نهادها و سازمان های بین المللی باعث شده بود تا دولت اردوغان نسبت به آن واکنش نشان دهد و اردوغان دولت سوریه را به وحشی گری و غارتگری متهم کند.

۳. احساسات عقیدتی اهل تسنن

خصائص عقیدتی اسلام گرایان سنی حزب حاکم باعث شد تا سنی ها از اسد فاصله بگیرند. در طول ماه رمضان، پخش اخبار و شایعات مربوط به کشتار مردم در سوریه توسط نظامیان نیروهای امنیتی منجر به تحریک افکار عمومی نسبتاً محافظه کار ترکیه شد. علاوه بر این ترکیه نگران است که کردهای سوریه با گروه شبه نظامی (پ ک ک) (Deghanpish, Augst 18: 2012) که عمدتاً از کردهای ترکیه تشکیل شده و خواهان ایجاد یک میهن کرد است؛ ارتباط برقرار کنند. از سوی دیگر کشورهای عربی به دنبال محدود کردن نفوذ ترکیه در جهان عرب هستند. هرچند آن ها تمایلی به حمایت از ایران ندارند و تمایلات ضد ایرانی دارند. (Bilefsky, march 12: 2012).

۴. تلاش برای مهار نفوذ ایران

بهار عربی در راستای خواسته هایی همچون رهایی، استقلال، مقابله با استبداد، فساد سیاسی و آزادی های مدنی شکل گرفت. تلاش برای مهار نفوذ ایران یکی از موضوعات جدی در ذهن و اندیشه طراحان استراتژیک آن ها در منطقه بود که از طریق شکاف میان مثلث سوریه، ایران و حزب الله سعی در کنترل افکار عمومی جهانی و منطقه ای داشتند و سعی می کردند که ایران را عامل و مقصر تشنج در سوریه بیان کنند (صالحی: ۱۳۹۰). در کل ابتدا راهبرد امنیتی ترکیه به دلیل مقاومت اسد، کارآمدی و نقش بازیگران منطقه ای و بین المللی، اوج گرفتن فعالیت های گروه های تندرو سلفی، اجرای سیاست مداخله نظامی آمریکا در سوریه، ناآرامی های داخلی ترکیه و توافقنامه ژنو باعث شد که ترکیه از سیاست نخست خود مبنی بر حمایت نظامی در این کشور برای سرنگونی دولت اسد دست بکشد (قربانی: ۱۳۹۳)، اما این راهبرد ترکیه طولی نکشید و به تدریج به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ تغییر پیدا کرد.

۱-۲. اسرائیل

اسرائیل حکومتی متجاوز و توسعه طلب است که در صدد تسلط بر سرزمین های عرب و دستیابی به "اراضی موعود" سرزمینی از نیل تا فرات است و برای رسیدن به آن می کوشد تا مانع پیشرفت فرهنگی و تکنولوژیک کشورهای عرب شده و توان نظامی، اقتصادی و سیاسی آن ها را درهم شکند تا هیچ قدرت عربی نتواند تهدیدش کند (آیل زیسر، ۱۳۷۴: ۵۰۵). رژیم صهیونیستی همواره به لبنان و خاک این کشور به عنوان ضرورتی اجتناب ناپذیر نگریسته است که به لحاظ امنیتی و ژئوپلیتیکی به ارتش و سازمان جاسوسی آن امکان مانور و فضای تحرک می دهد تا از این طریق به سوریه به عنوان متحد لبنان فشار آورد (معصوم زاده کیانی: ۷۹).

گرفتار شدن اسرائیل در گرداب جنوب لبنان با آغاز دهه ۸۰، برای تسلط بر لبنان سرانجام به برتری سوریه پایان یافت. سوریه همچنان در جنگ لبنان کوشید تا با کسب قدرت نظامی لازم برای غلبه بر اسرائیل توازن استراتژیک با اسرائیل برقرار کند. سوریه ۲۱۸۰ کیلومتر از خاک خود را که در ۳۰ کیلومتری دمشق است در اشغال اسرائیل می بیند، سرزمینی که ۶۰ درصد آب اسرائیل و هم امنیت این رژیم را تأمین می کند. حاکمیت اسرائیل بر جولان برتری فاحش استراتژیکی برای اسرائیل به دنبال داشت. از آن جمله که پایگاه ارتش این کشور را در ۳۵ کیلومتری دمشق پایتخت سوریه قرار داد.

علاوه بر این تسلط اسرائیل بر منابع آبی منطقه از جمله رودخانه "بانیاس" یعنی شاخه عمده رودخانه اردن که ۱۴ هزار متر مکعب آب در ساعت از آن بدست می آید تحقق بخشید (نهایزی، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۳) و نهایتاً فرصت های جدیدی برای اسکان یهودیان در منطقه فراهم آورد. اگرچه سوریه به مدت نیم قرن مستقیماً خطری برای اسرائیل ایجاد نموده ولی همچنان به عنوان مهم ترین و خطرناک ترین کشور ضد اسرائیل در ناحیه محسوب می شود. حجم عظیم تسلیحات نظامی که سوریه از روسیه دریافت داشته و می دارد و همچنین تسلیحات کشتار جمعی (سلاح شیمیایی) باعث گردیده که سوریه از نظر توان نظامی (نسبت به دیگر کشورهای عربی) منطقه در مقابل اسرائیل از توانایی بالاتری برخوردار گردد (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۴).

به همین دلیل صلح برای اسرائیل با سوریه به عنوان تنها کشور عربی در میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی که نقش مستقل در مناسبات منطقه ای و بین المللی ایفا می کند حساس و حیاتی به نظر می رسد. اگر اسرائیل می توانست بتواند به نوعی، خطرات جانبی و تهدیدات امنیتی احتمالی را پیش بینی و پیش گیری نماید، شاید چندان نیازی به عقد قرارداد صلح احساس نمی کرد و باید به این نکته نیز توجه داشت که بسیاری از اسرائیلی ها ضرورتی برای انعقاد قرارداد صلح با سوریه نمی بینند؛ زیرا آن ها معتقدند که در حال حاضر هیچ خطری اسرائیل را تهدید نمی کند و وضعیت فعلی می تواند کماکان سال های متمادی استقرار یابد (علیخانی، ۱۳۷۹: ۱۰). اما تلاش های رژیم صهیونیستی برای دستیابی به صلح با سوریه، گویای اهمیت برقراری یک صلح فراگیر میان اعراب و اسرائیل است که این امر جز از طریق سازش با سوریه برای مقام های اسرائیل میسر نیست (معصوم زاده کیانی، ص ۸۱)

تمایل سوریه برای مذاکره با اسرائیل را می توان معلول دو علت دانست: نخست تحول جدیدی که در جهان عرب نسبت به امکان همزیستی با اسرائیل پیش آمد. و در ثانی امیدواری حافظ اسد به امکان باز پس گیری بلندهای جولان پس از سال ها ناامیدی (آیل زیسر، ۱۳۷۴: ۵۵۹). اهداف دیگری از جمله بالا بردن سطح رابطه با آمریکا برای جلب کمک های مالی، مساعدت های اقتصادی برای رفع بحران های اقتصادی این کشور و کسب توان اقتصادی بیشتر برای ایفای نقش فعال تر در نظام منطقه ای جدید، خروج از انزوای سیاسی و خارج کردن نام خود از فهرست کشورهای حامی تروریسم بود (علیخانی، ۱۳۷۹: ۱۷). در مقابل اهداف اسرائیل از این صلح دستیابی به نظام امنیتی پایدار، حل معضل مخالفت های بنیاد گرایانه، دستیابی به توان اقتصادی و اعاده حیثیت

بین المللی است. اما به نظر می رسد رژیم اسرائیل آماده پرداخت هزینه زیاد برای رسیدن به این صلح نباشد (همان، ۱۱).

تحولات اخیر در خاورمیانه و به خصوص بحران سوریه توجه مقامات دولتی و امنیتی اسرائیل را به خود جلب نموده است. مخالفت سوریه با سیاست های آمریکا در منطقه و همسویی آن با جریان مقاومت اسلامی، به رسمیت نشناختن اسرائیل و مخالفت با طرح های صلح عربی در قضیه فلسطین منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا و متحد آن یعنی اسرائیل شده است. به همین دلیل و بنا بر اهمیت راهبردی رویکرد سیاسی سوریه باعث شده است که سناریوی تولید بی ثباتی با هدف گرفتن امتیاز و تغییر ساختار سیاسی سوریه، در دستور کار جبهه مخالف مقاومت اسلامی قرار بگیرد (پور صادق و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۷). امنیت ملی اسرائیل که به طور سنتی مترادف با راهبرد نظامی کشورهای متخاصم عربی و غیرعربی خاورمیانه تعریف گردیده است. با تحولات پدید آمده در منطقه خاورمیانه دولت اسرائیل در اتحاد با آمریکا که دارای منافع مشترکی می باشند سعی بر آن دارند تا از قدرت گرفتن نیروهای تندروی مذهبی در سوریه و دیگر نقاط خاورمیانه جلوگیری نماید (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۸۶-). از طرف دیگر آمریکایی ها و اسرائیلی ها با مشارکت ائتلاف سعودی-ترکیه از همان آغاز این تحولات یکی از مهم ترین راه های مهار و جلوگیری از تبدیل شدن آن به ابزاری برای تسلط قدرت ایران را در این یافتند که مسئله را تبدیل به دعوی شیعه-سنی کنند. منازعه شیعی-سنی تبدیل به ابزاری شد که غربی ها تلاش کردند تا پدیده بهار عربی را قلب ماهیت کنند تا جای آنکه نوک تیز پیکان حملات انقلابیون منطقه به سمت غرب و آمریکا به عنوان عاملان اصلی ذلت و خواریشان باشد درگیر مسائل داخلی و اختلافات مذهبی گردد.

به همین دلیل است که اکنون در تمام منطقه و از جمله در سوریه می توان دید که تلاش همه جانبه و بی سابقه ای برای تبدیل کردن هر مسئله به صحنه دعوی شیعه و سنی وجود دارد تا غرب و اسرائیل در قبال آن مصونیت پیدا کنند. راهبرد امنیتی اسرائیل در ابتدا ایفای نقش در پس پرده و سکوت درباره سوریه بود؛ تا اینطور به نظر نرسد که معارضان سوری، گماشته و دست نشانده اسرائیل هستند. اسرائیل دو مأموریت مهم در فضای پنهان صحنه سوریه پیگیری می کند. ۱. تخریب زیر ساخت های نظامی و امنیتی سوریه ۲. ترور و حذف چهره های نظامی و امنیتی کلیدی این کشور (www.JswB.ir). با توجه به مطالبی که بیان شد به وضوح مشخص است که اسرائیل حامی نیروهای مخالف در سوریه و خواستار از بین بردن دولت بشار اسد برای پایان دادن به محور مقاومت است.

کشور سوریه در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) رسماً استقلال یافت. ایران بلافاصله این کشور را به رسمیت شناخت و در دمشق کنسولگری تأسیس نمود و در ۲۰ آذر ۱۳۲۸ کنسولگری ایران، به سفارت تبدیل شد (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

ریشه های محوری اتحاد ایران و سوریه به تحولات اخیر دهه هفتاد برمی گردد. ظهور انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ در منطقه تحولی گفتمانی را ایجاد کرد و باعث الهام بخشی به عده کثیری از مسلمانان جهان شد (حاتمی و اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۸۱). متعاقب این رخداد تغییر رویکرد ایران از هم پیمانی با آمریکا و اسرائیل به دشمنی با این دو کشور برای سوریه خوشایند بود و این کشور به طور طبیعی توانست در کنار ایران قرار گیرد. البته، عامل مهم گرایش این دو کشور به یک دیگر، وجود دشمن مشترک یعنی رژیم بعثی عراق بود (ایزدی و اکبری، ۱۳۸۹: ۶۳). این تغییر و تحول در ایران باعث حفظ روابط دوستانه سوریه و ایران شد و سال ۱۹۸۲ سالی است که مشارکت جدید بین این دو کشور تعریف می شود (نیاکویی و دیگران ۱۳۹۲: ۱۲۵). قرار گرفتن ایران در بحران های بزرگ منطقه مانند مسئله فلسطین، بحران عراق، حمایت از حزب الله لبنان و بحران هسته ای ایران، باعث شد ایران به یک بازیگر اصلی در ناحیه خاورمیانه تبدیل شود و هم اکنون حل مسائل امنیتی-سیاسی حساس خاورمیانه بدون در نظر گرفتن نقش ایران تقریباً امکان پذیر نمی باشد (فراز مند، ۱۳۸۸: ۴۲). حمایت ایران از حزب الله لبنان و همکاری نیروی نظامی ایران با شیعیان لبنان در مقابل اسرائیل معادله ایران-شیعیان لبنان-سوریه را به وجود آورد. همکاری گسترده دو کشور ایران و سوریه در جنگ های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه حزب الله لبنان با اسرائیل و همکاری ها و کمک های ایران به حزب الله از راه سوریه عمق روابط استراتژیکی دو کشور ایران و سوریه را نشان داد. دو دولت ایران و اسرائیل سعی بر آن دارند تا از طریق همسایگان طرف متخاصم وضعیت دشوار سیاسی، اقتصادی و نظامی را بر علیه یک دیگر به وجود آورند تا فرصت تهدید مستقیم از طرف مقابل سلب گردد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

کشور جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب در مسائل مختلف منطقه ای و بین المللی بویژه در زمینه تهدید و دشمن مشترک و هم چنین منافع ملی مشترک با کشور سوریه همگرایی و همبستگی داشته است و هم اکنون که سوریه دچار بحران شده است؛ ایران با تمام وجود اعلام می کند که ما مخالف سقوط حکومت سوریه هستیم. دلایل ایران کاملاً روشن است، چرا که منافع ملی، امنیت ملی و هم چنین حلقه

مقاومت (متشکل از ایران، لبنان، سوریه) آسیب می بیند. جمهوری اسلامی معتقد است که باید اصلاحات در سوریه انجام شود و بر اساس آن مردم به حق و حقوقشان برسند و حکومت بشار اسد هم حفظ شود (بشارتی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). رهبری انقلاب از ابتدای شکل گیری ناآرامی در سوریه، طرح مطالبات مشروع راحق مردم سوریه دانستند و نسبت به ماجراجویی ها و دخالت های کشورهای دیگر در مسائل داخلی سوریه هشدار دادند (www.JswB.ir:14). به طور کلی، سیاست ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت نقش این کشور در معادلات سیاسی-امنیتی منطقه به خصوص در حوزه روابط با حزب الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب و اسرائیل بوده، که ایران در آن نقش حساس و مهمی را دارا می باشد. سوریه نیز نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد؛ به همین دلیل، بر خلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع، تحولات آن را دنبال می کند. ایران از یک سو نگاهی محتاطانه به تحولات سوریه دارد و از سوی دیگر، با درخواست اصلاحات در سوریه در چارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت می کند. زیرا با روی کار آمدن دولت جدید در سوریه با توجه به ابتکارات امنیتی و اقتصادی در استراتژی جدیدش یعنی تعامل بیشتر با آمریکا، دولت های عرب و جامعه بین الملل، می تواند ایران را بیشتر منزوی کند و تلاش های آمریکا را برای محدود کردن گزینه های ایران تقویت نماید. سوریه تنها متحد ایران در جهان عرب و یک کانال ارتباطی با نیروهای مقاومت در جنوب لبنان و فلسطین است، در نتیجه تغییر و تحول در این کشور ضد آمریکایی به معنای پایدار شدن یک حکومت طرف دار آمریکا، غرب و سعودی ها و حتی طرف دار صلح اعراب و رژیم صهیونیستی خواهد بود که این خود نه تنها باعث تضعیف موضع ایران در سوریه، غزه و لبنان می شود بلکه انزوای شدید ایران را در منطقه به دنبال خواهد داشت (نیاکویی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

نتیجه گیری

شروع بحران در سوریه باعث توجه بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در رابطه با این کشور که اهمیت ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی را در منطقه خاورمیانه دارا می باشد، شد. در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از نظریه موازنه تهدید به واکاوی راهبرد امنیتی کشورهای منطقه ای مهم تأثیرگذار در قبال بحران سوریه پردازیم. البته با وجود کثرت کشورهای تأثیر گذار در بحران سوریه تنها راهبرد امنیتی ترکیه، اسرائیل و ایران بررسی شد. مهمترین یافته های این مقاله حاکی از آن است که راهبرد امنیتی ترکیه در قبال سوریه متغیر و پیچیده است. سیاست ترکیه در چرخش های متعدد از میانجیگری و داوری به مهیا کردن امکانات و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. راهبرد امنیتی اسرائیل با توجه به برخورداری از حمایت بی چون وچرای آمریکا حفظ موجودیت خود و تضمین منافع خود در بلندهای جولان و بسط نفوذ ایران در منطقه است که ترکیه در این زمینه با آن ها همراه شده است. در نهایت راهبرد امنیتی ایران در قبال بحران سوریه حفظ دولت بشار اسد است. وجود تهدیدات و دشمن مشترک (اسرائیل و آمریکا) بین ایران و سوریه باعث اتخاذ این استراتژی از طرف ایران شده است؛ چرا که در صورت روی کار آمدن مخالفین بشار اسد معادلات راهبردی در منطقه تحت تأثیر جدی قرار خواهد گرفت و راهبرد موازنه تهدید ایران علیه رژیم صهیونیستی ضربه اساسی خواهد دید و ایران مهم ترین متحد استراتژیک خود را از دست خواهد داد.

منابع

- درینیک، ژان پیر (۱۳۸۶)، *خاورمیانه در قرن بیستم*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات جاویدان.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه موازنه قوا*، ترجمه وبررسی غلامعلی چگنی زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی معاصر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- هانتر، شیرین (طهماسب) (۱۳۹۲)، *سیاست خارجی ایران در دوران بعد از فروپاشی*، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران: نشر میزان.
- هنسن، برت و پترتافت و آندره ویول (۱۳۹۰)، *راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی "قدرت از دست رفته"*، ترجمه نیاکویی، امیر و جانسیز، احمد، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- اخوان کاظمی، مسعود و ویسی، سارا (۱۳۹۱)، «نگاهی گذرا بر قدرت یابی علویان سوریه»، *اخبار شیعه، ماهنامه خبری و تحلیلی شیعیان جهان*، سال هشتم، شماره ۸۴ و ۸۵، آبان و آذر، ص ۲۳-۳۲
- امید، علی و رضایی، فاطمه (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
- امینی، آرمن (بی تا)، *تبیین بحران هسته‌ای ایران از منظر رویکرد های رئالیستی و نئورئالیستی ابعاد و رویکردها*.
- ایزدی، جهانبخش و اکبری، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «برآورد دهه سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه، همگرایی بیش تر یا گسست»، *فصلنامه ره نامه سیاست*

گذاری سیاسی، دفاعی و امنیتی، سال اول، شماره دوم.

-برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، «ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش ها»، معاونت پژوهش های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس بر گرفته از:

Depid=44&semid=2310&http//www.csr.ir/departments.aspx?ing=fa&abid=06&

- بذرافکن، مجید؛ جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، **بیداری اسلامی و جنبش اسلامی در خاورمیانه بیداری اسلامی در نظر و عمل**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

- بشارتی، محمد رضا (۱۳۹۰)، **علل همگرایی ایران و سوریه و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام حسین (ع).

- بقیازازیان، آرمان، آرشاکیان گریکور (۲۰۰۹)، «تغییرات جدید در سیاست خارجی ترکیه»، مؤسسه خدمات ترجمه و تحقیق هور، در <http://www.whoosknet/farsi/index.phd>

- پورصادق، ناصر؛ علوی وفا، سعید؛ خراشادی زاده، محمد رضا (۱۳۹۱)، «تبیین برهم کنش کنش گران تأثیر گذار بر امنیت ملی سوریه با استفاده از نقشه شناختی فازی»، **فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی**، شماره ۴۷، سال دوازدهم، پاییز ص ۱۳۴-۹۵.

- جعفری، علی اکبر (۱۳۸۹)، **منافع استراتژیک و اتحاد آمریکا-اسرائیل**، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- جمعی از دانشجویان دانشگاههای تهران (بی تا)، «جریان شناسی تحولات اخیر خاورمیانه»، جنبش عدالت خواه. دانشجویی عدالت طلبان بدون مرز www.edalatkhahir.ir یا www.jswb.ir

- حاتمی، محمدرضا؛ اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۰)، «تعالی گفتمان انقلاب اسلامی ایران در جنبش بیداری اسلامی»، **فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال اول، شماره ۱، ص ۶۵-۸۵.

- حسینی، حسین؛ محمد رضایی، مجتبی (۱۳۸۴)، «جایگاه آب در سیاست دفاعی و امنیتی رژیم اشغالگر قدس»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، سال سیزدهم، شماره ۵۱، تابستان.

- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (۱۳۸۷)، **کتاب سبز سوریه**.

- زیسر، آیل (۱۳۷۴)، «سوریه و اسرائیل میان جنگ و صلح»، گروه تحقیق و بررسی مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، **فصلنامه خاورمیانه**، شماره ۵.

- ساجدی، امیر (۱۳۹۲)، «بحران سوریه ودخالت قدرت های بیگانه»، *پژوهشنامه روابط بین الملل*.

- صالحی، سید جواد (۱۳۹۱)، «ترکیه وسوریه .زمین وعوامل تغییر مواضع»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۱۳ آذر <http://fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1376.aspx>

- علیخانی، علی اکبر (۱۳۷۹)، «سوریه - اسرائیل نزاع بر سر صلح»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد سوم، ص ۲۸-۱.

- فرازمنده، محمد (۱۳۸۸)، «ایران ومناسبات جدید قدرت در خاورمیانه، در ایران واعراب»، *پژوهش ۲۱*، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

- قربانی، فهیمه (۱۳۹۳)، «نگاه جدید ترکیه به بحران سوریه»، پژوهشکده مطالعه استراتژیک خاورمیانه، هجدهم، خرداد. <http://fa.cmess.ir/Fellows/VisitingFellows/FahimehG-horbani/tabid/218/currentpage/2/Default.aspx>

- مسعودنیا، حسین؛ فروغی، عاطفه؛ چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۱)، «ترکیه وبحران سوریه ،از میانجیگری تا حمایت از مخالفان دولت»، *فصلنامه جهان اسلام*، سال اول، شماره ۴، زمستان، ص ۸۳-۱۱۰.

- معصوم زاده کیائی، میر احمد، «صلح دشوار سوریه واسرائیل»، *سیاسی*، سال اول، شماره سوم.

- موسوی زاده، سید علی (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی وریشه شناسی بحران سوریه»، *ویژه نامه نهمین هم اندیشی نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور*، ش ۲.

- نهازی، غلامحسین (۱۳۷۸)، «بحران آب در خاورمیانه»، مرکز پژوهش های و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱.

- نیاکویی، سید امیر؛ بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه، اهداف و رویکردها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ص ۹۷-۱۳۵.

- نیاکویی، امیر؛ اسمعیلی، علی؛ ستوده، علی (۱۳۹۲)، «تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۳)»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره اول، بهار ص ۱۱۹-۱۳۹

- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید در ترکیه، تقابل گفتمان ها»، *راهبرد*، شماره ۴۷، تابستان.

33-Bilefskey, Dan (March12/2012), "Despite Bold talk on Syria .turkey

seens limits of its power”‘ *the new York times*.

- Dagher, Sam (August26/2012)‘ “Hunderds killed in Syrian affensive”‘ *the wall street Journal*.

35-Dehganpish, Babak (Agust 18/2012)‘ ”in Syria Role of kurds Divide op-
position”‘ *the Washington post*

36-Nerquizan, aram (january2013/10) ‘ *u.s-Iranian compettion
in the levant II*/the proxy war in Eqypt,Israel/Jordan/Lebanon/the
Palestinianterritories&Syria-CSIS.

